

دوست مردم کیانند؟

شمار دشمنان جمهوری اسلامی هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. تقریباً اکثریت قریب به اتفاق پرسوناژهای صحنه سیاسی ایران این روزها دشمن جمهوری اسلامی هستند یا لاقلاً اینطور وانمود می‌کنند. سابقاً در میان نیروها و جریانات و احزاب و سازمانهای سیاسی در ایران، تنها کمونیستها با سرنگونی خواهی تداعی می‌شدند. اما این روزها تقریباً به استثنای اکثریتها و توده‌ایها که همیشه در دفاع از اسلام کاسه داغتر از آش بوده‌اند، و بلاهت سیاسیشان در حد اعلا است. حتی بخشی از سابقاً رژیمها نیز از رفتن و سرنگونی رژیم به نوعی حرف می‌زنند. این البته مولود تعمق بحرانهای این رژیم است و به نوعی همه به این باور رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ماندگار نیست و دور از عقل به نظر می‌رسد معجزه‌ای هم در موردش روی بدهد. برخی به این جهت که می‌دانند این مردم عزمشان را برای انداختن جمهوری اسلامی جزم کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که این واقعیت را اذعان دارند و سعی کنند این پروسه از کانال مطلوب ایشان بگذرد و بالطبع در این اوضاع و احوال فکری به حال خودشان کنند، راست غربی بالکل از این طیفند و بیشتر در صددند که بلکه انتقال قدرت از بالا مانع اعمال اراده مردم شود. اینها بیشتر با به میان آوردن مقولاتی نظیر فراندم و اتحاد و غیره سعی دارند مردم را مجاب کنند، برخی هم صرفاً می‌خواهند حساب خود را از حساب این رژیم جدا کنند، گفتارها چاقهایشان را خودشان لت و پار می‌کنند. اینها که مسئولین سابق این رژیمند هم و غمشان این است که بعد از سرنگونی پایشان به دادگاههای مردمی نکشد، یا حداقل کمتر مجرم شمرده شوند. و از طرفی دیگر نگرانی و کینه‌شان با سران کنونی رژیم از این است که نتوانسته‌اند خوب حکومت الله را حفظ کنند و بعضاً این نگرانی را هم اذعان می‌دارند.

اما بالاخره برای مردمی که سالها آرزویشان رفتن این رژیم بوده و سالها قربانی داده‌اند و تحت فشار این رژیم بوده‌اند و به مبارزه برعلیه‌اش پرداخته‌اند، تمام مساله این نیست که چه کسانی دشمن رژیم هستند، و نباید هم باشد. به عبارتی تنها دشمن جمهوری اسلامی بودن نیست که مولفه‌ای برای انتخاب است بلکه دوست مردم بودن است که مساله اساسی است. خواست مردم را خواستن است که مساله است، چه نوع حکومتی بعد از سرنگونی این رژیم آوردن مساله است.

مساله اصلی جانشینی رژیم است، هیچ جریانی تنها به صرف شعار سرنگون باد و باید برود نباید در زمره هواخواهان مردم محسوب شود. سرنگون باد جمهوری اسلامی یک مقوله است که به تنهایی مانند یک جمله ناقص است که بخش دوم آن که اساسی‌تر و مهم‌تر است زنده باد... است. چون تمام دشمنی

مردم با این رژیم از بی حقوقیشان است، از تضاد شدید و آنتاگونیستی منافع و خواسته‌هایشان با منافع این رژیم و نوع حکومت اسلامی است. داستان دشمنی مردم با جمهوری اسلامی اینطور شروع نشده که یک دفعه هوس کنند این رژیم بد است و باید سرنگونش کنند. به منافع خودشان که درست نگاه کرده‌اند متوجه شده‌اند که این رژیم باید برود تا خواسته‌های آنها متحقق شود. پس بالطبع دوستیشان هم با جریان‌های سیاسی و انتخابی‌شان بر اساس یک مولفه سرنگونی خواهی نیست و نباید هم باشد. علی‌القاعده مردم باید از جریانی پشتیبانی کنند و آن را جریان خود بدانند که تحقق خواسته‌هایشان را مدنظر دارد، که می‌خواهد این رژیم سرنگون شود و مردم خودشان کنترل امور را به دست بگیرند، نوع حکومتی که مدنظرش است و برایش مبارزه می‌کند، اعمال اراده مردم را تضمین می‌کند، تحقق خواسته‌ها و مطالبات مردم را تضمین می‌کند، و همه ارکان و وجوه آلترناتیو در تطابق با منفعت این مردم در نظر گرفته شده.

بالطبع آنها که ریگی در کفش ندارند و مطالبات و خواسته‌های مردم نقطه عزیمت و فلسفه وجودیشان است به روشنی می‌گویند که بعد از جمهوری اسلامی چه می‌خواهند، و آنها که خوابهای دیگری برای مردم و آن جامعه دیده‌اند، بهترین‌هایشان به کلی گویی و مقولاتی مانند فرماندم، اتحاد و امثال اینها چسبیده‌اند.

پرواضح است که در میان طیفهای جورواجور دشمنان امروز جمهوری اسلامی دوستان مردم کمونیستها هستند، آنها که تاریخا مسائل و تغییرات مورد نظرشان را به روشنی گفته‌اند، از روز اول تعارض و ناهمگونی این رژیم با منافع مردم را گفته‌اند، تمام وجوه آلترناتیو مورد این جریان بنا به منافع و خواسته‌های مردم تنظیم شده و باور دارد که تغییرات مورد نظر مردم تنها با اراده خود مردم ممکن است. مردم دشمن جمهوری اسلامی تنها در دوستی کمونیستها ذینفعند.

حامد خاکی

۱۶ نوامبر ۲۰۰۲

Email : hkhaki50@yahoo.com

TEL : 0046 706 781 198